

تاریخچه ابنیه خیره

مساجد قدیم در خراسان و جوار آن

دین اسلام در نصف اول قرن نخستین هجری در تمام خراسان تا کرانه های سند نشر گردید، و فاتحان عرب بنام دین در جهان پیش میرفتند، و بهر جای که میرسیدند، نخستین بار مسجدی را که پرستش گاه خوانند یکتایلیزال و مرکز توحید بود بنا مینهادند، و این مساجد در اکثر بلاد معروف بجای معابد قدیم بنا می شد. مثلاً قتیبه بن مسلم باهلی فاتح عربی بعد از کشودن شهر بخارا، مسجد جامع در اندرون شهر و نمازگاه عید را در حوالی ریگستان بنا کرد، که بقول نرشخی در تاریخ بخارا، موضع آن قبلاً بتخانه بود. و هر روز آدینه منادی فرمودی: هر که بنماز آدینه حاضر شود، دو درهم بدهم.

این مسجد قدیم تا روزگار حکمرانی فضل بن یحیی برمکی بلخیو حدود ۱۷۸هـ باقی بود و همین حکمران میان حصار و شارستان بخارا مسجد جامع دیگری بنا کرد، و مسجد قدیم را دیوان خراج ساخت و مسجد بازار ارمخ را هم بر جای بتخانه قدیم ساختند.

در اوایل فتوح اسلامی و حدود سال ۲۰هـ سه مسجد در مرو خراسان ساخته شد، نخست مسجد اندرون شهر، دیگر مسجد عتیق، دیگر مسجد ماجان مرو.

در حواشی شرقی افغانستان نیز عساکر اسلامی تا کرانه های مهران (سند) رسیده بودند، و چون در سنه ۱۵۲هـ ویهند کنار دریای سند و پایتخت ثانی گندهارا را فتح کردند، معبد بُد را ویران کرده و بجای آن مزگتی ساختند. که بلاذری در فتوح خود این مطلب را آورده است.

مقدسی گوید: چون در ۱۱۴هـ بنای شهر منصوره را در سند گذاشتند، مسجدی را از خشت و سنگ در وسط بازار آن بسبک مسجد عمان ساختند که بر ستونهای بزرگ چوب ساج و ساگوان استوار بود.

اما مسجد جامع هرات هم در همین زمان ساخته شد، که بقول مولف حدود العالم آبادان تر مزگت های خراسان و در بین شهر واقع بود، و در اطراف آن بازارها و زندان افتاده بود. این مسجد که بنای چوبین

داشت بقول اسفزاری شب ۸ جمادی الاولی ۴۹۵هـ بسبب نازله آسمانی ویران گردید، و باز آنرا ساختند. که بنای چوبی داشت و بقول منهاج سراج در عصر غوریان باز سوخت، و سلطان غیاث الدین غوری، آنرا در سنه ۵۹۷هـ با گنبد های خشت پخته از سر نو تعمیر نمود که تا کنون موجود است.

از مساجد کهن افغانستان مسجد بلخ هم بود، و هنگامیکه در سنه ۱۷۸هـ فضل بن یحیی بر خراسان والی شد، او به بلخ آمد، و تا آنوقت ابنیه قدیم معبد نوبهار باقی بود. فضل خواست که آن بنای باقیمانده عصر جاهلیت را ویران کند و بجای مسجدی بسازد، ولی بنای نوبهار بقول ابن خلکان آنقدر استوار بود، که به تخریب آن موفق نشدند. بنابراین یک گوشه آنرا ویران ساخته و بجایش آن مسجدی را بنا نهادند. که یکی از مساجد معروف دنیا بود، و البشاری زینه های زیبای منش آنرا میستاید، که بقایای این مسجد تا رحلت ابن بطوطه (حدود ۷۳۵هـ) هم باقی بود، و او گوید که چنگیز بطمع گنجینه بی که میگفتند زیر یکی از ستونهای مسجد نهفته است، یک سوم آنرا ویران کرد. ابن بطوطه مسجد بلخ را زیباتر از مسجد رباط الفتح مغرب داند، و در بلخ از تاریخ دانان آن شهر شنید، که زن داؤد بن علی امیر آل عباس آنرا از سنگهای کزان ساخته بود.

مسجد دیگر قدیم افغانستان در زرنج واقع بود، که بقول مولف نامعلوم تاریخ سیستان در سنه ۱۱۱هـ عبدالله بن ابی برده والی نیکوکار آنجا مصلاهی بزرگ شهر زرنج را به در پارس بنا کرد، و آن زمین را بسیم و زر خرید، و این مصلی تا حدود ۴۰۰هـ باقی بود. و مقدسی گوید که این مسجد از بناهای عجیب است که دو مناره قدیم داشت و یک منار دیگر را هم از صفر بامر یعقوب لیث صفاری دران ساخته بودند، و در مقابل زندان زرنج واقع بود.

اما نخستین مسجد غزنه بجای بتخانه لویکان در درب بامیان شمال غربی شهر غزنه در حدود ۱۶۴هـ ۷۸۰م ساخته شده بود، که بعداً بنام مسجد افلح مشهور شد. این مسجد تا حدود ۵۷۰هـ هم موجود بود، و چون سلطان سخی سرور بن سید زین العابدین متوفی ۵۷۷ مدفون شاه کوت دیره غازیخان بدینجا آمد، بت قدیم لویکان یعنی مجسمه نخستین شهریار خاندان لویک را که در صحن آن مسجد در تابوت سیمین نهفته بودند برکشید، که در کتاب خطی کرامات سخی سرور از تاریخ ابو حامد الزاوی درین باره از عالم معروف امام حسن صغانی متوفی ۶۵۰هـ چنین روایت شده: "در بلده غزنه بر درب بامیان مسجدیست عظیم که آنرا مزگت افلح لویک خواندندی، و این بتخانه عظیم بود، که وجویر لویک بر خدمت رتبیل و کابلشاه کرده بود. چون پسرش خاقان بمسلمی آمد، صنم لویک را نیارست شکستن، و آنرا دران مزگت بزمین اندر کرد و بتابوت سیمینه در نهاد. چنین روایت کنند چون سلطان سخی سرور پائین مزگت شد گفت بوی صنم شنوم. نیک دید و کشف شدش. زمین کافت و صنم لویک برکشید در تابوت سیمینه نهاد، آنرا بشکست و سیم را به بنای مسجد داد." بوسیله این روایت تاریخ بنای مسجد قدیم غزنه و وجود آنرا تا ۵۷۰هـ میدانیم، و شاید در

تخریبات چنگیزی از بین رفته باشد.

يك مسجد قدیم دوره نخستین اسلامی را از قول البشاري در احسن التقاسیم می‌شناسیم که بموجب این سند، قتیبه بن مسلم باهلی در شیان که شهری بود از اوستای اسکیمشت (اشکمش) مسجدی را در پهلوی چشمه آب ساخته بود، که از قدیمترین مساجد این سرزمین بشمار میرود، زیرا قتیبه از سپه سالاران بنی امیه در حدود ۹۰هـ ۷۰۸م در صفحات شمالی هندوکش بود، و این مسجد را نیز در ربع اخیر قرن نخستین هجری ساخته باشد. در فیروزکوه پایتخت افغانستان در دوره سلطنت غوریان حدود ۵۰۰ نیز مسجد بزرگی را ساخته بودند، و بقول مؤلف طبقات ناصری: چون از فتح اجمیر يك حلقه و زنجیر زرین با يك خربزه کلان و دو کوس زرین آوردند، آنرا در پیش طاق مسجد جامع فیروزکوه بیاویختند.

سبک ساختمان مساجد:

در باره طرز ساختن مساجد نخستین اسلامی در سرزمین های شرق افغانستان معلوماتی از کشف مسجد قدیم بمبور ۲۰ میلی جنوب شرقی کراچی بدست آمده که يك سنگ نبشته کوفی هم ازان برآورده اند، و بموجب آن این مسجد را امیر مروان بن محمد بوسیله علی بن موسی در سنه ۱۰۷هـ ۷۲۵م ساخته بود، و هم ازین مسجد سنگ نبشته دیگری از سال ۲۹۴هـ ۹۰۷م بنام امیرسند محمد بن عبدالرحمن برآمده است، طول این مسجد ۷۵ و عرض ۵۸ فـت بود و جامع نماز خوانی آن ۳۳ ستون در سه قطار داشت، ولی مطابق مساجد قدیم محرابی طرف قبله ندارد، زیرا محراب مجوف را نخستین بار در عصر ولید اموی (۸۶-۹۶هـ) در مسجد مصر ساخته بودند. نقشه عمومی این مسجد با جوامع بصره و کوفه که بین سالهای ۴۵ و ۵۰هـ ساخته اند، شباهت تام دارد. و نیز همانند مسجد جامع بزرگ واسط است که در سنه ۶۳هـ حجاج آنرا ساخته بود و محرابی نداشت. ساختمان مسجد قدیم دیگر در ارور پایتخت راجه داهر سند (روهری کنونی) در سنه ۹۲هـ بامر فاتح عربی محمد بن قاسم بود، که اکنون جز دو دیوار آن باقی نمانده و آثار کاشی های قدیم بران دیده میشود.

در مساجد خراسان بقول خانیکوف طرز معماری عرب و خراسان باهم ترکیب یافته و طاق و منارهای مخروطی و ایوانچه نهایی آن و استعمال کاشی مینا کار در آرایش تماماً طرز نیست خراسانی، و گل و بوته و نقش و نگار داخل و کارهای قلمی و ستونهای بلند طرز معماری عرب میباشد، که با هم مخلوط شده است.

از جمله مساجد قدیم خراسان که فیالجمله از طرز بنای آن خبری داریم، مسجد قدیم نساپور است که در ابطن پایین شهرستان در ۶ قطعه واقع بود، و بقول مقدسی در احسن التقاسیم مسجد و منبر آنرا ابو مسلم در حدود ۱۳۰هـ از چوب ساخته بود، که پسانتر عمر و لیث صفاری آنرا بر پایه های خشتی بنا کردند، این مسجد مدور سه رواق داشت، و در بین آن خانه آراسته یی بود، که یازده در و ستونهای محوری رخام و

سقف و دیوارهای نگارین داشت.

بقول الحاکم مؤلف تاریخ نشاپور، این مسجد در ساحه سیجریب افتاده بود و هزار ستون داشت و شصت هزار نفر دروئی بیکبار نماز کردند و مقصوره آنرا ابومسلم ساخته بود و آبهای روان و حوض های عمیق و در وسط یخدانی داشت، و زیاده از صد نفر خادم و فراش دران خدمت کردند، و ستونها و منابر و صنادیق و قنادیل را صد هزار مثقال سیم و صد هزار مثقال طل ابود، و در خراسان منبری احسن تر از ان نبود، که ابومسلم درین جامع نهاده و هم مناری دران ساخته بود.

باستان شناسان جدید که در مطالعه ابنیه مساجد نظری صایب دارند گویند که عمر و لیث صفاری پادشاه بزرگ افغانستان در ۲۸۱ هـ مسجدی را در شیراز ساخت که زیرطاق جنوبی محرابی دارد و گچ بری آن عمیق است. که با طرح ساده گل مزین گشته و آنرا نمونه یی از تزیین سبک مشترک خراسان و عرب توان گفت، که نویسنده تاریخ صنایع ایران (ص ۱۳۵) بدین عقیده است.

بقول گوستاولوبون در تمدن اسلام و عرب (ص ۲۱۷) ساختمان مساجد عربی مشتمل بود بر دالانهای وسیعی که بر ستونهای متعدد بنامی یافت و مجمع نماز گذاران بود. و پیش روی این دالان صحن فراخی وجود داشت. که در یک طرف آن حوضی برای وضو و در گوشه دیگر آن مناری برای اذان دادن بود. در شمال و جنوب این صحن برای سکونت مسافران و طلبه حجراتی آباد می شد، که در سمت مشرقی بیرون مسجد اصطبل حیوانات و حوض آب خوری و غسل خانه و حمام هم وجود داشت.

این طرز بنا تاکنون هم در ساختمان مساجد بزرگ بنظر می آید، و معلومست که در طرز اساسی ساختمان مساجد اشتراک نظر موجود بود، ولی در هر محیط مطابق به ضروریات آنجا و هم روایات هنری مردم آن سرزمین در سبک تعمیر اختلافات جزوی بوجود می آمد.